پنجشنبه بازار کتاب

هفته کتاب های داستانی

هفته ای که گذشت، جامعه فرهنگی و ادبی کشور در سوگ نادر ابراهیمی نشست، نسلی از اهل قلم با آثار و نوشته هایش بالیدند و در جهان اندیشه هایش از لابه لای کلمات غوطه خوردند و ایام خوشی را سپری کردند. نام و یاد ابراهیمی در آثارش و در خاطره نسل ها می ماند. اما در این هفته به دلیل حجم مطالب بدون هیچ حاشیه پردازی مستقیماً به سراغ متن می رویم. هفته ای که در غیاب کتاب های شعر گذشت. اما ادبیات داستانی و کتاب های علوم اجتماعی روزهای پررونقی را پشت سر گذاشتند.

[سایر محمدی]

● **داستان، رمان**

«پائیز ۵۹» عنوان کتابی از خاطرات زهره ستوده است که توسط سیده اعظم حسینی و ناهید سلمانی به صورت مصاحبه فراهم آمده و تدوین و نگارش آن به قلم دکتر سیده رقیه میرابوالقاسمی است. «پائیز ۵۹» نقبی است به خاطرات سال های دور یکی از شاهدان عینی روزها و ماه های آغازین دفاع مقدس. زهره ستوده از اهالی خرمشهر، مقارن آغاز جنگ تحمیلی دختر جوانی بود که روزهای بسیاری را در خرمشهر و آبادان محاصره شده، سپری کرد. چاپ اول این کتاب سال گذشته به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد آزادی خرمشهر از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد و هفته گذشته چاپ پنجم آن به بازار آمد. «بادهای برفی» عنوان کتابی است که چاپ دوم آن هفته گذشته از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شد. این کتاب خاطرات احمد غانم الربیعی یک سروان ارتش عراق است که محمد نبی ابراهیمی آن را به فارسی ترجمه کرده است. خاطرات نظامیان عراقی سخت تلخ و گزنده است، چرا که این افسران با اعتقادی به جنگ نداشتند و با دنیمه های راه دست حاکمان مستبد عراق برای آنها رو شده بود. سومین کتابی که در زمینه ادبیات دفاع مقدس توسط انتشارات سوره مهر هفته گذشته به دست ما رسید، عنوان «به داد ما برسید» را بر روی جلد دارد. این کتاب ناگفته های نامه تاریخی علی شمخانی است که در سال های اولیه جنگ فرمانده سپاه خوزستان بود و علیرغم همه کمبودها در زمینه تسلیحاتی از ماجرای مقاومت دلیرانه فرزندان این آب و خاک می نویسد.

در جست وجوی خوشبختی اثری از شارلوت برونته با برگردان مهدی پرتوی است که نشر آفرینگان منتشر کرده است. نویسنده این رمان کوتاه را در سن ۱۳ سالگی برای کودکان و نوجوانان نوشت و بعدها توسط کارولین دینان مصور شده است. شکل و شیوه رمان، نوع به کارگیری کلمات در این رمان از نبوغ برونته در سن نوجوانی خبر می دهد. «خرسی به نام پدینگتن» رمانی برای کودکان به قلم مایکل باند است که کاتارینا ورزی آن را ترجمه کرده و مؤسسه انتشارات قدیانی آن را چاپ و منتشر کرده است. مایکل باند این رمان را در یک روز برفی در ایام کریسمس با دیدن یک خرس عروسکی الهام گرفته است و بعد در دیگر آثارش ظهور کرد و تبدیل به شخصیت مشهوری در ادبیات کودکان شد. «تویی که سرزمین از اینجا نیست» مجموعه هشت داستان کوتاه به قلم محمد آصف سلطان زاده است که از سوی نشر آگاه چاپ و منتشر شده است. سلطان زاده نخستین کتاب خود به نام «در گریز گم می شویم» را در ایران منتشر کرد و سال ها در ایران مقیم بود و بعدها به یکی از کشورهای اروپایی مهاجرت کرد و به کشورش افغانستان بازنگشت. اما از شهرت و محبوبیت خوبی در بین علاقه مندان به ادبیات فارسی برخوردار شد. «نامه های ایرانی» رمانی به قلم مونتسکیو با ترجمه محمد مجلسی است که از سوی نشر دنیای مونتسکیو منتشر شده است. نامه های ایرانی نوعی رمان مکاتبه ای است. یعنی دو بزرگ زاده ثروتمند ایرانی به فرانسه می روند تا با تمدن اروپایی آشنا شوند و این دو در نامه هایی که به دوستان و آشنایان خود می نویسند، اوضاع و احوال فرانسه و فساد و تباهی دستگاه حکومتی این کشور را شرح می دهند و در بعضی نامه ها از زندگی زنان مشرق زمین و گاهی اوضاع سیاسی و اجتماعی آن سامان سخن می گویند. مجموعه این نامه ها تصویری از اوضاع زمانه و روزگار چند کشور ایران و فرانسه و ترکیه و روسیه به دست می دهد. «من قهرمان نیستم» اثری از پی یر آن گرونیه با ترجمه خجسته کیهان است که نشر افق به بازار فرستاد. گرونیه نویسنده ای ضدفرم و وابسته به جنبش افراطی معاصر شناخته می شود. آثار او در قالب های رمان و داستان کوتاه نمی گنجد و بیشتر به نثرهای شاعرانه شباهت دارد که در زبان فرانسه به آن روایت می گویند. «قلندران پیژامه پوش» مجموعه ای از داستان های کوتاه طنز نشر سیدعلی میرفتاح است که از سوی نشر افق چاپ و منتشر شده است. میرفتاح این داستان های کوتاه و طنز را قبلاً در نشریات و روزنامه های کشور چاپ کرده بود و مخاطبان بسیار پیدا کرد.

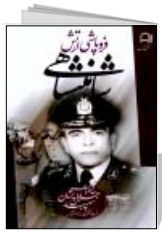

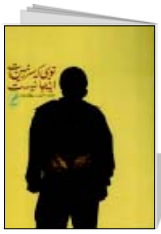

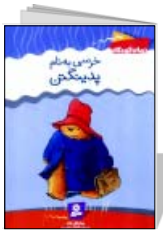

«گذر از فصل ها» رمانی نوشته مجتبی حبیبی است که نشر علم منتشر کرده است. این رمان با داستان گروهی مستأجر که در یک مجتمع مسکونی سکونت دارند و حکم تخلیه آن صادر شده، آغاز می شود و در ادامه چالش های زندگی امروز شخصیت های داستان به تصویر کشیده شده است. «بیتون» نام رمان مدرن و متفاوتی از رضا امیرخانی است که نشر علم چاپ اول آن را در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه کرد و در همان چند روز نخست تمام نسخه هایش به فروش رفت. نشر علم هفته گذشته چاپ چهارم این رمان را به بازار فرستاد.

«شام مهتاب» رمانی از زهرا ناظمی زاده است که انتشارات شادان منتشر کرده است. مدیر این مؤسسه انتشاراتی در مقدمه کتاب توضیح می دهد که رمان شام مهتاب برپایه تضاد دو نسل و تقابل سنت و مدرنیته شکل گرفته و در ادامه در بستری از حوادث و رویدادها جریان می یابد. ضمن اینکه نویسنده در این دومین کتاب خود گوشه چشمی به مسائل و معضلات اجتماعی هم دارد.

«بازمانده» نوشته مریم جعفری رمان دیگری از انتشارات شادان است که به تازگی منتشر شده است. این رمان داستان زندگی گروهی از نسل امروز است که در بحبوحه جنگ و انقلاب و مشکلات اجتماعی دار و ندار خود را فروختند و دست به مهاجرت زدند. به امید زندگی بهتر و رفاه بیشتر. برخی موفق شدند و ماندند و برخی شکست خورده، غربت را تاب نیاوردند. نویسنده در رمان بازمانده تجربه این گروه را روایت می کند. «جان خسته» رمانی به قلم منیژه شیخ جوادی است که نشر پیکان منتشر کرده است. این رمان نیز روایتی از زندگی یک زن به دست می دهد که پس از مهاجرت و شکست و پشیمانی به خاک وطن برمی گردد و به آن بوسه می زند. زنی که سال ها سرگردانی و دربه دری را در غربت تجربه کرده و در این بدبختی و مهاجرت خود هیچ نقشی نداشته، بلکه مردهای زندگی اش اعم از پدر و برادر و شوهر نقش آفرین بوده اند. «آقامعلم» سومین رمان فرانک مک کورت است. نویسنده ای که در ایران و جهان با رمان «خاکستر آنجلا» به شهرت رسید و چندین ترجمه از این رمان به زبان فارسی منتشر شده بود. منیژه شیخ جوادی سومین رمان این نویسنده ایرلندی تبار را که خاطرات اش از سال ها تدریس در مدارس امریکاست و با چاشنی طنز همراه می شود، به فارسی برگردانده است. رمان «آقا معلم» را نشر پیکان منتشر کرده است.

«شکلات برای شجاعت زنان» به قلم کی آلنبو عنوان کتابی است که نشر البرز منتشر کرده است. این کتاب شامل ۷۷ داستان واقعی است که تجربه شده و راهیابی را به ما نشان می دهد که با استفاده از آنها می توانیم خانواده و دوستان خود را حفظ و روحیه خود را تقویت کنیم، به مشکلات خود پایان دهیم و توفیق دیگران را جشن بگیریم. این کتاب را عفت حیدری ترجمه کرده است.

«انسان ذهن است و دیگر هیچ» کتابی به قلم دکتر پیمان آزاد است که نشر البرز منتشر کرده است. پیمان آزاد در معرفی کتاب خود می نویسد: زمانه ما زمانه عقلانیت انتقادی و استفاده از تجربه گرایی و مشاهده ناب است.

حواله به آینده دیگر ممکن نیست. من خارج از تجربیات عینی و ملموس خویش چیزی ننوشته ام که خواننده را به عالم هیروت ببرد. این کتاب در دو دفتر تنظیم شده که دفتر اول خودشناسی فانکشنال (مؤثر) و دفتر دوم آگاهی نام دارد. «شکست سرطان» در هم شکستن یک اسطوره اثری از کاترینا الیس با برگردان رشاد مردوخی است که نشر البرز منتشر کرده است. این کتاب داستان زندگی نویسنده است که گرفتار بیماری سرطان شده بود. اما در عین ترس و ناتوانی، روشی را انتخاب می کند که همه اینها انگیزه ای برای ادامه حیات باشد و به معنویت برسد و سرانجام بر بیماری غلبه می کند.

● **دین و فلسفه، سیاست و تاریخ، هنر**

«پژوهشی در نیایش های قرآن کریم» کتابی به قلم علی باقری فر است که از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ اول آن در سال ۸۱ و چاپ سوم آن به تازگی منتشر شده است. کتاب حاضر پژوهشی است در بررسی و تحلیل جایگاه دعا و نیایش در قرآن کریم که در سه بخش تدوین شده است.

«ادبیات و تحقیق ادبی» مجموعه مقالاتی نوشته و ترجمه قاسم صنعوی، رنه سیفر، رنه ولک، ژان کوکتو، جلال ستاری، احمد سیمیی و... است که ازجمله رودکی سال های پنجاه تا پنجاه و هفت انتخاب شده و توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ اول آن در سال ۸۲ و چاپ دوم آن اخیراً منتشر شده است.

«گفت و گوی یک زن با خدا» اثر مارجوری هلمز با برگردان مهدی افشار از سوی نشر کتاب پارسه به چاپ سوم رسید. این کتاب گفت وگوهای در خلوت یک زن با خداست.

این کتاب به دلیل استقبال مخاطبان طی کمتر از یک فصل دوبار توسط نشر کتاب پارسه تجدید چاپ شده است. «عرفان و تفکر» کتابی به قلم امید همدانی است که از سوی نشر نگاه معاصر منتشر شده است. نویسنده در این کتاب یک بررسی تحلیلی - انتقادی از تأملات عرفانی مولوی تا عناصر عرفانی در طریق تفکر هایدگر دارد.

«نگاهی به نگرش های فلسفی سده بیستم» نوشته دکتر میرعبدالحسین نقیب زاده عنوان کتابی است که انتشارات طهوری منتشر کرده است.

در این کتاب فلسفه تحلیلی، پراگماتیسم، فلسفه هستی، ساختارگرایی، پست مدرنیسم، نظریه انتقادی (مکتب فرانکفورت) مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. پیوست کتاب به گفتاری در نقد فلسفی و آموزش فلسفه اختصاص دارد. «مانی» به روایت ابن الندیم عنوان کتابی است که انتشارات طهوری چاپ سوم آن را منتشر کرده است. این کتاب هم متن عربی را دارد، هم ترجمه فارسی آن را به قلم دکتر محسن ابوالقاسمی، این الندیم ازجمله دانشمندان اسلامی است که مطالب مربوط به مانویت را براساس ترجمه آثار مانی و مانویان که در زمان مؤلف به زبان عربی موجود بوده و بعدها از میان رفته، نوشته است. «یک فنجان فلسفه» عنوان مجموعه ای از آثار فلسفی برای کودکان و نوجوانان است که نشر ماهی منتشر می کند، از این مجموعه تاکنون کتاب «زشتی و زیبایی» نوشته بریژیت لبه و میشل پچو و «کار و درآمد» به قلم همین دو تن منتشر شده است که مترجم هر دو کتاب مریم بانو موسایی است. این آثار که به صورت رنگی و مصور چاپ شده کودکان و نوجوانان را یاری می دهد تا درباره پرسش های مهم خود فکر کنند و پاسخ آن را بیابند. «درس هایی از اقتصاد» کتابی به قلم حسن نفیسی است که نشر به آفرین منتشر کرده است. در این کتاب با مباحثی چون روند تاریخی عملکرد اقتصاد، ایدئولوژی در عرصه اقتصاد، جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی، عدالت اجتماعی و اقتصادی از دیدگاه علی (ع)، سیاست پولی در اقتصاد اسلامی، آثار پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و... آشنا می شوید. حسن نفیسی کتاب دیگری تحت عنوان «تاریخ کامل نفت» یا طلای سیاه نوشته که این کتاب هم از سوی نشر به آفرین منتشر شده است. این کتاب تاریخ نفت در ایران و جهان را همراه با مبارزه ملت ها بر سر تصاحب این ثروت ملی بیان می کند. نویسنده از نخستین سال های کشف و تولید نفت تا کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را پی می گیرد.

«فروپاشی ارتش شاهنشاهی» خاطرات سپهبد جلال پژمان فرمانده لشکر گارد شاهنشاهی است که از سوی نشر نامک چاپ و منتشر شده است. پژمان با نوشتن خاطرات و حوادث گذشته کمک می کند تا چگونگی شکل گیری ارتش را دریابیم و شیوه اداره آن را متوجه شویم و این که چگونه حکومت فردی خاندان پهلوی به چه طریق عنان حکومت را به وسیله ارتش و ساواک درانختیار داشت وچگونه با اعلام بی طرفی سلسله پهلوی منقرض شد.

«زنان ذی نفوذ در خاندان پهلوی» کتابی است که نیلوفر کسری تألیف کرده و دکتر باقر عاقلی مورخ معاصر مقدمه ای بر آن نوشته است.

این کتاب هفته گذشته از سوی انتشارات بدرقه جاویدان چاپ و منتشر شده است. در این کتاب زندگی پرماجرای چهار زن متنفذ دربار پهلوی به نام تاج الملوک آیرملو، شمس پهلوی، اشرف پهلوی و فرح پهلوی جمع آوری و مورد قضاوت تاریخ قرار گرفته است. شرح حال این زنان براساس اسناد و مدارک تاریخی توسط خانم نیلوفر کسری به عنوان پژوهشگر تاریخ قاجاریه و تاریخ معاصر نوشته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

گفت وگو با مجید نظافت، عضو شورای شعر خراسان

درشعر، متعهد پیش رفته ایم

[زینب بردبار/ بخش دوم و پایانی]

بخش اول گفت و گو با مجید نظافت- عضو شورای شعر خراسان- را دیروز خواندید، ادامه این مصاحبه پیش روی شماست.

■ **آقای نظافت شما یک نفر را در نظر گرفته اید که اتفاقا شعر وزندگی اش رابطه مستقیمی دارند. بعد نتیجه می گیرید که هر شاعری متناسب شعرش و هر شعری متناسب شاعرش است.**

«ونگوگ» را به عنوان یک شاعر در نظر بگیرید. کسی که گوشش را می برد و برای معشوق اش می فرستد یا افسردگی و آشفتگی زندگی می کند و از طرف دیگر به رنگ بندی های آثارش نگاه کنید. به تصویری که از خود کشید و سایر آثارش. حال او را با نقاش ملایمی مثل سپهری مقایسه کنید که همه خطوط را به نرمی می کشید. هیچ رنگ تندی که نشان از خشونت دهد در آنها دیده نمی شود. در شعر نیز دائم نگران است که یک وقتی کسی «آب را» گل نکند. بنابراین می توان به کلیاتی دست یافت اما این شناخت مطابق نعل به نعل نیست که بعد از سال ها زندگی با یک نفر نمی توانید ادعا کنید او را کاملاً می شناسید.

■ **ظاهراً شما ایده ای از شعر در ذهن دارید که همواره در برخورد با آثار آنها را با آن ایده ذهنی می سنجید. آن «شعر مثالی» چه مشخصاتی دارد؟**

بستگی دارد از چه موضعی به آن نگاه کنید. از دید یک منتقد، شاعر یا مخاطب معمولی؛ من اول تلاش می کنم به عنوان یک مخاطب معمولی از جهان شاعر، تفکر و شگردهایش لذت ببرم بعد آن را با ملاک های خود می سنجم. اما ترجیح می دهم هنگام برخورد با شعر از نقش یک منتقد خارج شوم و به عنوان یک انسان (گیرم که آشنایی هایی هم با نقد ادبی داشته باشم) از آن لذت می برم.

■ **به بحث اصلی خودم برمی گردم. آیا فکر نمی کنید اشکال شعر متعهد این است که چون محتوا اهمیت می یابد شاعران هنگام سرودن شعر به فرم بی توجه می مانند و در نتیجه از فرم های کلیشه ای استفاده می کنند؟**

اگر این اتفاق در لحظه آفرینش اثر بیفتد حتماً نادرست است. اما به گمان من وقتی چنین اتفاقی می افتد که کسی قصد کند شعری در زمینه خاصی بنویسد. همان چیزی که در گذشته کامپیوتر رمانی بنویسد که پیرنگ و شخصیت سازی و فراز و فرود و فضا و... داشته باشد اما هرگز نمی تواند «ناطورداشت» بنویسد چرا که فقط یک «سلینجر» می تواند چنین اثری را بنویسد. چرا که یک استاد دانشگاه که با تمام بدایع و فنون ادبی آشناست و حتی آن را در سطح قابل قبول تدریس می کند نمی تواند شعر خوبی بنویسد اما یک آدم باسواد معمولی چیزی می نویسد که تکان دهنده است. شعری که انسان را برمی انگیزد.

■ **به بحث ادبیات متعهد برگردیم. تلاش هایی شده است تا بتوانند اصولی را برای شعر خود تدوین کنند. اما ما هرگز به دنبال تئوریزه کردن کار خود نبودیم. آیا یکی از نقاط ضعف ادبیات متعهد را فقدان تئوری نمی دانید؟**

یکی از مشکلات ما این است که تلاش نکردیم پدیده ها را تئوریزه کنیم. غالباً به صورت دیمی با آنها مواجه می شویم. این باعث هرج و مرج می شود. درست است که انسان در هر موردی برای تعریف کردن مشکل دارد و اغلب پدیده ها را توصیف می کند اما این دلیل نمی شود که سعی نکنیم به دیدگاه خود نظم دهیم. ضعف تئوریک ما باعث شد که اشعار را تأیید کنیم و یا تکذیب، نتیجه آن باندبازی است. به این مسائل نداشتن صراحت لهجه و تعارفی بودن را اضافه کنید. این مسائل در اغلب جلسات ادبی دیده می شوند. کافی است ۱۰ دقیقه در مورد یک شعر بحثی نظری کنیم.

بلافاصله اعتراض می کنند. اینها مشکلاتی هستند که شعر ما با آن دست به گریبان است. ادبیات متعهد هم که بخشی از شعر ما محسوب می شود در این اشکال شریک است.

■ **شعر متعهد از دیرباز در سرزمین ما بوده است. خاصه دوران مشروطه. آیا به نظر شما بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ تحولی در شعر متعهد به وجود آمد؟**

بله. مقایسه شعر شاعران مشروطه با شاعران پس از انقلاب نشان می دهد که به لحاظ کیفی به مراتب پیش رفته ایم. به عنوان مثال شعر «نسیم شمال» را با شعر «سیدحسن حسینی» مقایسه کنید. شعر حسن حسینی پخته تر است. این گونه نیست که سرتا پا به مسائل جامعه بپردازد. در مقابل حسن حسینی می گوید: «شاعری دفتر شعرش گم شد/بدن اش تاول زد.» شاعران عصر ما باسوادتر شده اند. حتی توان ترجمه و تألیف دارند. عرض من این است که اگر جمهور اهل ذوق به پدیده ای صفت شعر بودن را اطلاق کنند، آنگاه می توان درباره متعهد یا غیرمتعهد بودنش بحث کرد.

■ **آیا می توانیم به جز امتیازهای صرفاً ادبی به بعضی آثار به خاطر احترام به برخی از ارزش های پذیرفته شده امتیاز داد؟**

ما مجبوریم برای تقریب ذهن داشته های خود را دسته بندی کنیم. شعر کلاسیک، آزاد، موج نو و... را به وجود می آوریم تا بتوانیم با هر دسته برخورد متناسبی انجام دهیم. به هر حال نمی توان ملاک های روزگار سعدی را بر شعر سپید منطبق دانست. گاهی این تقسیم بندی ها محتوایی است. بعضی مانند براهنی (هرچند بعضی وقت ها گرفتار دچار عصبیت های ژورنالیستی شد) و کدکنی (گیرم که نگاهش بیشتر متمایل به گذشته است) تلاش های مؤثری در نقد ادبی کردند.

■ **بعد از این که قیصر امین پور به رحمت خدا رفت باتوجه به این که سیدحسن حسینی نیز قبلاً از دست رفته بودند تصوری پیش آمد مبنی بر این که شاعران قدر ادبیات متعهد تمام شده اند. شما از این موضوع نگران نیستید؟**

امین پور و سیدحسن حسینی قله های ادبیات متعهد بودند. اما من چندان قائل به تمام شدن نسل شاعران بزرگ نیستم. اولاً آثار ایشان هنوز باقی است. درثانی اگر به نسل جوان فرصت دهیم کسانی مانند امین پور و حسینی ها به عرصه می آیند. تولد و مرگ سرنوشت محتوم آدمی است. ولی بشر به زندگی ادامه داده است. شاید رذیلت های آدمی از گذشته های دور همچنان باقی مانده باشد ولی پیشرفت ها و تعالی بشر هرگز متوقف نمانده است. تنها نکته ای که باید به آن اشاره کرد این که دوره علامه های همه چیز فهم گذشت. در زمانی مردی مانند «مولوی» ظهور می کرد که دریکی از آنات زندگی اش شاعر بود. اما مفسر و فقیه و حکیم و ستاره شناس و عرفان شناس هم بود. اما امروز به خاطر گستردگی اطلاعات بنا نیست آن گونه باشد. نباید از شاعر امروز انتظار داشت همه چیز را از فقه و فلسفه گرفته تا اختر فیزیک و نانوتکنولوژی بداند. همین که آگاهی به روزی از ادبیات داشته باشد کفایت می کند.

چطور یک قصه را بنویسیم؟ (۴)

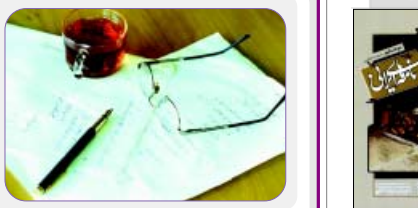

انگیزه روایت

[یزدان سلحشور /بخش اول]

شما وقتی قصه ای را شروع می کنید یا «من»، راوی آن قصه است یا با خطاب «تو» شروع می کنید یا «او» از منظر خود روایت را دنبال می کند. به طور معمول اگر «او» بخواهد راوی باشد، یا «او» یک دانای کل است که بر زندگی شخصیت ها، ذهنیات و گذشته و حال آنها اشراف دارد یا یک «شخصیت» است که از «نگاهش» می توان وارد جریان قصه شد و اگر از این «نظرگاه»، نویسنده عدول کند، کار قصه تمام است و تقریباً همه چیز را باخته. البته به مسئله «نظرگاه» بعداً می رسیم که مبحث دیگری است. مبحث فعلی ما «انگیزه روایت» است. هر قصه ای باید انگیزه ای برای گفته شدن داشته باشد که این انگیزه، متعلق به «راوی» است حتی اگر آن راوی، دانای کل باشد. در کتابهای آسمانی، «راوی» خداوند است و همه چیز را روشن می کند و ما با «انگیزه روایت» در سطرسطر کتابهای آسمانی، ارتباطی شفاف و قابل درک داریم. در روایات زمینی هم، این اصل که از کتابهای آسمانی آموخته شده، باید با تمام «متن» درگیر باشد و «وضعیت الف» را به «وضعیت ب» متصل کند و حتی در پایان بندی قصه دخیل باشد. به طور معمول اگر راوی دانای کل باشد قصدش بیان یک نکته اخلاقی است که در پایان قصه، خودش را نشان می دهد یا با مجازات شخصیتی گناهکار یا پاداش دادن به شخصیتی پرهیزگار یا عذاب جمعی یا پاداش جمعی. سوراتنس در «دن کیشوت» به دنبال روایت همین نکات اخلاقی است و «دن کیشوت» که قادر به درک تحولات اطراف خود و عوض شدن زمانه نیست، مجازات می شود؛ یکی از جذاب ترین انگیزه های روایت در شیوه «دانای کل»، مجازات در عین بیگناهی است که به طور معمول ترازدی یا کمدی را رقم می زند و گاهی هم توأمان با آن درگیریم که «دن کیشوت» در این میان، به دلیل تلفیق دن دو بسیار موفق است و مثلاً «سرفنامه گالیور» فقط وجه «کمدی» آن را انتخاب می کند. «گالیور» در این رمان، به دلیل بلاهت زمانه ای که در آن درگیر است و خود نیز به بخشی از آن بدل شده مجازات می شود و مجازاتش این است که به «واقعیت» دست می یابد و نمی تواند با آدم های هم عصر خود هم نشینی کند چون بوی حماقت را از ده متری هم احساس می کند! در این رمان- همچون دن کیشوت- ارتقای شخصیت به پله ای بالاتر از درک نقش انسان در جهان، موجب مجازات می شود؛ و این مجازات، مجازات آنانی است که می خواهند از مرزهای «عقل تعریف شده توسط زمانه» بگذرند. [به این مبحث، در بحث نقیضه ها و «متضادسازی های معنایی» برمی گردیم.]

اما در من، راوی یا «او» راوی یا «تو» راوی [که شکل دیگر من»، راوی است چون وقتی با مخاطب ساختن شخص دیگری، روایت می کنیم، خود، راوی قصه ایم] معمولاً انگیزه های روایت پیچیده ترند و پنهان تر. فرض کنید که در زندگی روزمره تان می خواهید قصه مشاجره ای با یک کارمند بانک را روایت کنید و ماجرا بر سر اختلاف حساب میان پول پرداختی شما و پول دریافتی کارمند بانک است. شما دو انگیزه اصلی از این روایت دارید، یا می خواهید با روایت ماجرا کمک می کنید تا چگونگی شکل گیری ارتش را دریابیم و شیوه اداره آن را متوجه شویم و این که چگونه حکومت فردی خاندان پهلوی به چه طریق عنان حکومت را به وسیله ارتش و ساواک درانختیار داشت وچگونه با اعلام بی طرفی سلسله پهلوی منقرض شد.

«فروپاشی ارتش شاهنشاهی» خاطرات سپهبد جلال پژمان فرمانده لشکر گارد شاهنشاهی است که از سوی نشر نامک چاپ و منتشر شده است. پژمان با نوشتن خاطرات و حوادث گذشته کمک می کند تا چگونگی شکل گیری ارتش را دریابیم و شیوه اداره آن را متوجه شویم و این که چگونه حکومت فردی خاندان پهلوی به چه طریق عنان حکومت را به وسیله ارتش و ساواک درانختیار داشت وچگونه با اعلام بی طرفی سلسله پهلوی منقرض شد.

«زنان ذی نفوذ در خاندان پهلوی» کتابی است که نیلوفر کسری تألیف کرده و دکتر باقر عاقلی مورخ معاصر مقدمه ای بر آن نوشته است.

این کتاب هفته گذشته از سوی انتشارات بدرقه جاویدان چاپ و منتشر شده است. در این کتاب زندگی پرماجرای چهار زن متنفذ دربار پهلوی به نام تاج الملوک آیرملو، شمس پهلوی، اشرف پهلوی و فرح پهلوی جمع آوری و مورد قضاوت تاریخ قرار گرفته است. شرح حال این زنان براساس اسناد و مدارک تاریخی توسط خانم نیلوفر کسری به عنوان پژوهشگر تاریخ قاجاریه و تاریخ معاصر نوشته شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

شما در مورد «تو راوی» کار کردن با «تو راوی»، از «او راوی» هم مشکل تر است: «تو آنجا بودی... تو می دانستی... آخرش را می دانستی... و مردی!» در «تو راوی»، انگیزه روایت در «پوشش از دانستن» مخفی می شود یعنی شما اصل موضوع را می گویید اما طوری می گویید که کسی باور نمی کند! این نوع مخفی کاری خیلی مشکل است: خب! «بهانه روایت» در اینجا چه نقشی دارد؟ جایی نروید! خیلی زود به آن هم می رسیم!